

تأملی در اخلاق جهانی؛ با تأکید بر بیانیته‌های سویدلر و هانس کونگ

احمد فرامرز قراملکی*

چکیده

تهدید یا فرصت بودن پدیده‌ی جهانی‌شدن، مرهون برنامه‌های جهانی است و تلاش برای دست‌یابی به اخلاق جهانی، نمونه‌ای از آن برنامه‌ها است. هانس کونگ و سویدلر، در ارائه‌ی اخلاق جهانی، از موضع دینی، بیانیته‌های جهانی ارائه کرده‌اند. این بیانیته‌ها در هرم اخلاقی، از قاعده‌ی مبنایی، و نه ملاک نهایی، آغاز و آنگاه به اصول پایه و میانی می‌انجامند. کارآیی و اثربخشی، سازگاری درونی، تطبیق بر ادیان و انطباق‌پذیری با فرهنگ‌ها و قومیت‌ها مباحث اصلی است که در بررسی این بیانیته‌ها به میان می‌آیند. اخلاق جهانی در گرو نظریه‌های طبیعت‌گرایانه، اخلاق و حُسن و قُبْح ذاتی نیست، اما محتاج نظریه‌ای است تا اجماع را تأمین کند و آن مطلق‌انگاری حذائقی است که بر اساس ملاک نهایی اخلاق - امر نامشروط - قابل حصول است.

واژگان کلیدی

اخلاق جهانی؛ بیانیته‌های اخلاق جهانی؛ مطلق‌انگاری اخلاق؛ هرم اخلاق؛ حُسن و قُبْح ذاتی.

* دانشیار دانشگاه تهران

مفهوم جهانی شدن^(۱)

نیاکان ما، معضلات عمده‌ی معیشتی و رفاهی خود را، به ویژه هنگام مواجهه با بحران‌ها، غالباً از طریق مهاجرت، حل می‌کردند. زمین خدا برای انسان‌ها بسیار وسیع بود و فاصله گرفتن از هم دیگر، نقش کلیدی در برخورداری آن‌ها از منابع طبیعی داشت. این فاصله، غالباً موجب بی‌خبری از آداب و رسوم دیگران و حصرگرایی نسبت به باورها و آداب خویش می‌شد. تکامل اجتماعی، دارای آهنگی بسیار کند بود و تحولات ژرف، هر هزار، بلکه هزاران سال یک‌بار رخ می‌داد تا عصر حجر به عصر آهن، تبدیل گردد.

تأسیس دولت‌ها و به میان آمدن مرزهای جغرافیایی، بر فاصله‌ی افراد از یک‌دیگر تأکید کرد و بر روابط اجتماعی و فرهنگی، حاکم شد. تعینات ملی و قومی، گرایش‌های فراملی را کاهش داد. اما انقلاب صنعتی و دو قرن پس از آن، انقلاب در فن‌آوری اطلاعات، انسان‌های دور از یک‌دیگر را به هم نزدیک‌تر کرد و فاصله‌ی جغرافیایی و حتی تاریخی را به شدت کاهش داد. بشر، اینک، نزدیک هم‌دیگر، مطلع از نسل‌های گذشته، واقف بر اندیشه‌ها، آداب و رسوم دیگران و مرتبط با آن‌ها زندگی می‌کند. فروریختن مرزها، حذف فاصله‌ها و محدودیت‌های جغرافیایی حاکم بر روابط اجتماعی و فرهنگی، وقوف بر سنت‌ها و باورهای پیشینیان و تطور تاریخی آن‌ها، تبدیل شهروند^(۲) به نت‌وند^(۳) به میان آمدن نسل‌های چندنژادی، تبدیل وابستگی^(۴) به هم‌بستگی^(۵)، به میان آمدن گرایش‌های فراملی، توکد سازمان‌های بین‌المللی و... گره‌ی زمین را آبیستن دهکده‌ی جهانی ساخته است و دغدغه‌ی «شهر ما خانه‌ی ما است» به دغدغه‌ی «گره‌ی ما خانه‌ی ما است»، مبدل شده است.

اگرچه نه در تعریف دقیق جهانی شدن، وفاق است (Singer, 2002, 1-13) و نه در تبیین آن، وحدت نظر وجود دارد، اما غالب جامعه‌شناسان، جز تحلیل گران تمدن، جهان‌شدن را فرایندی در شرف وقوع می‌دانند. (واترز،^(۶) ۱۳۷۹، ۶۱-۹۷).

مفهوم‌سازی آنتونی گیدنز^(۷) جامعه‌شناس مفهوم معاصر، از جهانی شدن، چنین است:

جهانی شدن را می‌توان به صورت تشدید روابط اجتماعی در سرتاسر جهان، تعریف کرد که در آن، جوامع دور از هم، طوری به یک‌دیگر وابسته می‌شوند که حوادث محلی، از رویدادهایی تأثیر می‌پذیرند که در مناطق دوردست شکل می‌گیرند و بر آن‌ها [متقابلاً] تأثیر می‌گذارند (Giddens, 1958, 64).

توصیفی که از فرایند جهانی شدن ارائه شد، کم‌وبیش با این مفهوم‌سازی، قرین است (برای تفصیل سخن در گزارش و نقد آرای گیدنز، نک: واترز، ۱۳۷۹، ۷۴-۸۳).

جهانی شدن: تهدید^(۸) یا فرصت^(۹)

برخی از جامعه‌شناسان، بر این عقیده‌اند که جهانی شدن، با تحولات و عواملی همراه است که کم‌وبیش، از کنترل انسان، خارج هستند و در جهت تغییر جهان، عمل می‌کنند؛ تغییری که سیاره‌ی زمین را به طور کلی، فرامی‌گیرد و در عین حال، فاقد پیش‌بینی‌پذیری است. بنابراین، می‌توان از خیر و شر بودن یا تهدید و فرصت بودن آن پرسید. آیا جهانی شدن، گره‌ی زمین را برای انسان، غیرقابل سکونت خواهد ساخت و یا آن را به دنیای واحد، با اتمسفر واحد، اقتصاد واحد، قانون واحد و جامعه‌ی واحد، تبدیل خواهد کرد؟ (Singer, 2002, 1-13)

کسانی چون پاول ترینو^(۱۰) و ادوارد اس. هرمان^(۱۱)، درباره‌ی خطرات و تهدیدهای جهانی شدن، به تفصیل، سخن گفته‌اند. اگر تحولات دهه‌های اخیر را بخشی از فرایند جهانی شدن بدانیم، جهانی شدن، چهره‌ی ترسناکی از خود، نشان می‌دهد:

جهان ما، بحران بنیادی را تجربه می‌کند، بحران در اقتصاد جهانی، محیط زیست جهانی و سیاست جهانی... صدها میلیون انسان، در گره‌ی زمین، به صورت فزاینده‌ای، از فقر، گرسنگی و گسیختگی خانواده‌هایشان، رنجورند... کودکان، می‌میرند، می‌کشند و گشته می‌شوند... سیاره‌ی ما هم چنان، به نحو ظالمانه‌ای، چپاول می‌گردد. (Küng, 1994, 3)

و به تعبیر استاد مطهری، «تمدن امروز، نه تنها جرم‌ها را کم نکرده است، بلکه به مراتب، آن‌ها را بیش‌تر و بزرگ‌تر کرده است» (مطهری، ۱۳۷۰، ۲۲۶).

جامعه‌شناسانی چون رابرتسون، با روی آورد دیگری، به تحلیل مشکلات و چشم‌اندازهای جامعه‌ی جهانی پرداخته‌اند:

وجود سیاره‌ی زمین، چگونه امکان‌پذیر است؟ این سؤال، قابل تحلیل به مسائل اجتماعی ناشی از روندهای تعمیم جهانی است: در یک بافت فزاینده‌ی چندفرهنگ‌گرایانه‌ی

جهانی، جامعه، چگونه است؟ وقتی که انعکاس‌پذیری دائمی، پیامد ضروری نسبی‌گرایی جهانی شدن است، چگونه یک خود پایدار، ممکن می‌شود؟ افراد، چگونه سرسپرده‌ی جامعه‌ی نوین جهانی خواهند شد؟ (ترنو،^(۱۳) ۱۳۸۱، ۱۹۲).

تهدیدها و معضلات جهانی شدن، با برنامه‌ای جهانی، قابل حل و تبدیل به فرصت می‌باشد و اخلاق جهانی،^(۱۴) یکی از آن برنامه‌ها است. آرمان اخلاق جهانی، رهنمون ساختن پدیده‌ی جهانی شدن به خانواده‌ی جهانی^(۱۵) است. آخرین دهه‌ی سده‌ی پیشین، آغاز تلاش گسترده‌ای از سوی دانشمندان، برای دست‌یابی به چنین برنامه‌ای بوده است.

کسانی چون هانس کونگ،^(۱۶) در آغاز دهه‌ی پایانی قرن بیستم، بحث از مسؤولیت‌های جهانی را به میان آوردند (Küng, 1991). اخلاق، در روی آورد نوین، از جنبه‌های صرفاً جوانحی، فراتر رفته و در رفتار ارتباطی بین شخصی، مفهوم‌سازی می‌شود. در این رهیافت، اخلاق، مسؤولیت‌پذیری در قبال حقوق محیط است و محیط، بر حسب شعاع زندگی، (فردی - شخصی، فردی - شغلی، سازمان، حیات ملی و جهانی)، متنوع است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲، ۹۶-۱۱۰). بنابراین، بحث از مسؤولیت‌های جهانی، در واقع، جستار از اخلاق جهانی است؛ زیرا اخلاق، چیزی جز حقوق و وظایف نیست. در خصوص اخلاق جهانی، پیشنهادهای متنوعی، ارائه شده است. در این میان، دو بیانیته‌ی بحث‌برانگیز کم‌وبیش یک‌سان، وجود دارد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱. بیانیته‌ی هانس کونگ

بیانیته‌ی هانس کونگ، ابتدا در توینگن^(۱۷) انتشار یافت و سپس، از موضع پارلمان ادیان جهان^(۱۸) با مقدمه‌ای از پارلمان - متضمن چکیده‌ی اعلامیه - اعلام گردید (Küng, 1994). بیانیته، با یادآوری چهره‌ی مخوف و شرآمیز روزگار کنونی، که تمدن بشر را تهدید می‌کند، بر این تأکید می‌ورزد که «نظام نوین جهانی، بدون اخلاق جهانی، ممکن نیست».^(۱۹) آن‌گاه، با بحثی با عنوان «نیاز مبنایی: با هر کس باید به نحو انسانی، رفتار گردد»^(۲۰) اصلی بنیادی، نهاده می‌شود تا بر اساس آن، چهار رهنمون تغییرناپذیر برای اخلاق جهانی ارائه گردد: (۱) تعهد به فرهنگ خشونت‌گریزی و احترام به زندگی؛^(۲۱) (۲) تعهد به فرهنگ یکپارچگی و نظام عادلانه‌ی اقتصادی؛^(۲۲) (۳) تعهد به فرهنگ تسامح و زندگی توأم با صداقت؛^(۲۳) (۴)

تعهد به فرهنگ حقوق یک‌سان و مشارکت زنان و مردان.^(۲۴) آخرین بحث بیابیه‌ی هانس کونگ، تحول در بینش و نگرش آدمی^(۲۵) است.

۲. بیابیه‌ی سویدلر

بیابیه‌ی سویدلر،^(۲۶) همانند بیابیه‌ی هانس کونگ، در بستر غرب و از موضع دینی است، اما بر خلاف آن، از اختصار و انسجام منطقی بیش‌تری برخوردار است. مقدمه‌ای در توجیه عقلانیت، تلاش برای ارائه‌ی اخلاق جهانی بر پایه‌ی آموزه‌های دینی و سنت‌های کهن اخلاقی و پیش‌فرض‌های پنج‌گانه، سرآغازی است تا قاعده‌ی مبنایی یا قاعده‌ی زرین^(۲۷) «آن‌چه بر خود نمی‌پسندی، بر دیگران نیز نپسند»^(۲۸) ارائه گردد و بر اساس آن، اصول پایه‌ای هشت‌گانه و سپس اصول میانی ده‌گانه ارائه گردد.

نقد و بررسی

بیابیه‌های اخلاق جهانی را، از جهات مختلف، می‌توان بررسی کرد: نقد کارآیی و اثربخشی، نقد سازگاری درونی، تحلیل مبانی نظری، انطباق‌پذیری بر فرهنگ‌های مختلف، تطبیق بر آموزه‌های دینی و ...

بیابیه‌های یادشده، از موضع دین‌دارانه، اما با خطاب عام، ارائه شده‌اند. نهاد دین، یکی از زیرساخت‌ترین لایه‌های تمدن بشری است و هرگونه اخلاق جهانی، باید مناسبت خود را با آموزه‌های دینی، تبیین کند (Küng, 1997; Twiss, 1999, 1-5). غالب کسانی که در خصوص بیابیه‌های اخلاقی سویدلر و هانس کونگ، سخن گفته‌اند، به ارائه‌ی دیدگاه دینی خویش پرداخته‌اند. به عنوان مثال، جان‌هیک،^(۲۹) فیلسوف معروف دین، به عنوان یک مسیحی، به آن می‌پردازد (Hick, inter.2). همان‌گونه که خالد دوران، از موضع یک مسلمان (Duran, inter.1) و موتوبو نکولو^(۳۰) (Nkulu, inter.3) بر مبنای فرهنگ آفریقای وینا گوپتا^(۳۱) (Gupta, 2002) و کارل هینز پهل^(۳۲) (Pohl, 2002) در مجموعه‌هایی که منتشر کرده‌اند، بر مبنای آیین بودا به بحث از اخلاق جهانی پرداخته‌اند.

در میان مسلمانان، ظاهراً، مفصل‌ترین نوشتار در مبنای اخلاق جهانی، به سیدحسن نصر متعلق است. وی، ادیان ابراهیمی را واجد عناصر لازم برای تحقق اخلاق جهانی می‌داند؛

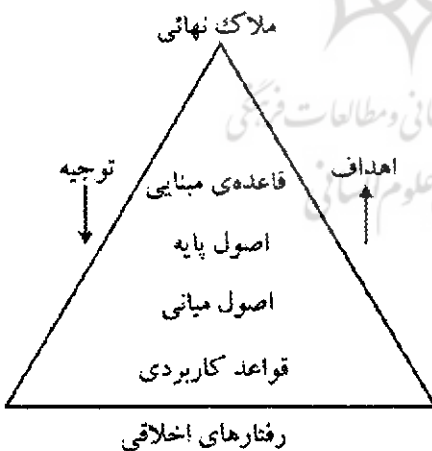
یعنی معنایی برای زندگی، هنجار اخلاقی برای راهنمایی عمل و دیدگاهی مبتنی بر صلح و... (Nasr, 2002).

در خصوص تطبیق بیانیتهای جهانی اخلاق، با آموزه‌های دینی و سنت‌های اخلاقی جامعه‌ی ما، سخن، فراوان است. به عنوان مثال، قاعده‌ی زرین سویدلر، که وی و هانس کونگ آن را مبنایی‌ترین اصل بیانیتهای خویش اخذ کرده‌اند، با همان عبارت، در متون روایی و منابع اخلاقی در فرهنگ اسلامی، فراوان آمده است: «آنچه بر خود نپسندیم، بر دیگری نپسندیم». (خلخال، ۱۳۸۱ الف، ۱۳۴؛ همو، ۱۳۸۱ ب، ۳۰۱)

مبانی اخلاق جهانی

وقتی به مبانی اخلاق جهانی، عطف توجه کنیم، مسأله‌ی دین و اخلاق جهانی، ابعاد خود را نشان می‌دهد. آیا اخلاق جهانی، به طور کلی و نیز اخلاق جهانی مبتنی بر آموزه‌های دینی، از حیث کارآیی و اثربخشی، بر گزاره‌های بنیادین استوار هستند؟

کارآیی و اثربخشی اخلاق جهانی، در درجه‌ی اول، به هرم اخلاق، بستگی دارد. قاعده‌ی این هرم، رفتارهای اخلاقی در سطح جهانی است. اخلاقی بودن این رفتارها در پرتو قواعد



کاربردی^(۳۳) معلوم می‌شود و قواعد کاربردی، از اصول میانی^(۳۴) مأخوذ هستند. و این اصول، برگرفته از اصول پایه^(۳۵) یا راهبردی می‌باشند و آن‌ها نیز از قاعده‌ای مبنایی^(۳۶) اخذ می‌شوند و قاعده‌ی مبنایی، بر ملاک نهایی^(۳۷) اخلاق مبتنی است. در این هرم، از قاعده به رأس، اهداف و آرمان زندگی اخلاقی، ترسیم می‌شود و از رأس به قاعده، ادله‌ی عقلانیت و موجه بودن

رفتار اخلاقی، حاصل می‌گردد. بنابراین، ملاک نهایی، از طرفی، غایت قصوی و از طرف دیگر، دلیل نامشروط اخلاقی است. بیانیتهای اخلاقی جهانی، از قاعده‌ی مبنایی، و نه ملاک

نهایی، آغاز و آن‌گاه با ذکر اصول پایه، به اصول میانی می‌انجامد، با این ادعا که هر سه قسم، (قاعده‌ی مبنايي، اصول پایه و اصول میانی)، در همه‌ی ادیان و سنت‌های اخلاقی کهن، آمده است.

عمومیت و موجه بودن اخلاق، در گرو عقلی و یا ذاتی بودن *حُسن* و *قُبْح* و یا نظریاتی هم چون طبیعت‌گرایی^(۳۸) نیست، بلکه آن‌چه مورد نیاز است، اجماع همگانی است؛ امری که در بیاتیه‌های اخلاق جهانی هم، مورد تأکید قرار می‌گیرد. مراد از اجماع،^(۳۹) باورها یا دیدگاه‌های همگانی در اصول و حتی در فروع اخلاقی، (و نه آداب)، است. عده‌ای، گمان کرده‌اند تنها تبیین اجماع، نظریه‌ی ذاتی بودن *حُسن* و *قُبْح* و یا دیدگاه‌های طبیعت‌گرایانه در اخلاق است. با ارجاع *حُسن* و *قُبْح* به عواطف و سائقه‌های روانی و اعتبار فرد (طباطبایی، ۱۳۶۲، ۱۳۹-۱۹۳) و با توجه به ساختار هیجانی کم‌ویش واحد انسان‌ها - علی‌رغم تفاوت‌های فردی آن‌ها - می‌توان گفت: مادامی که با انسان تجربه‌شده در تاریخ، مواجه هستیم، اجماع یک‌سانی در باب دوست دارم و دوست ندارم خواهد بود و اعتبار عام فراگیر بشری در پایدها و نیایدها در میان خواهد بود و این اجماع، در کارآیی و اثربخشی اخلاق جهانی، کفایت می‌کند.

بنابراین، آن‌چه برای جهانی بودن اخلاق، مورد نیاز است، مطلق‌انگاری حدّ اقلی است و آن، عبارت است از اعتبار جماعت، علی‌رغم تفاوت‌های فردی، قومی و فرهنگی. همه‌ی انسان‌ها رعایت حق آزادی را یک وظیفه‌ی اخلاقی می‌انگارند. این انگاره، لزوماً بر نظریه‌های طبیعت‌گرایانه، مبتنی نیست، اما موجه بودن آن، به ملاک نهایی اخلاق، استوار است. ملاک نهایی اخلاق - بنا به تعریف - امر نامشروط مبتنی بر حقیقت‌غایی است، به معنایی که تیلیخ^(۴۰) آن را در *پویایی ایمان*^(۴۱) می‌یافت (تیلیخ، ۱۳۷۵) و این، مطلق‌انگاری حدّ اقلی را تأمین می‌کند. *حُسن* و *قُبْح*، نه به ذات افعال، بلکه به ساختار انسانی انسان‌ها برمی‌گردد. نیاز اخلاق جهانی به دین، در ابتناء آن به چنین ملاکی است و به این ترتیب، مناسبت اخلاق جهانی و ادیان، از نظریه‌ی «ضمنان دینی اخلاق» (Braybrooke, 1992, 17) فراتر می‌رود.

اخلاق جهانی مبتنی بر آموزه‌های دینی، بر مبانی کلامی نیز استوار است. مباحثی هم‌چون توقع بشر از ادیان و پلورالیزم دینی، از مهم‌ترین مبانی کلامی در اخلاق جهانی است.

بیانیه‌های اخلاقی، بر این که اخذ اخلاق از ادیان، از توقعات طبیعی ما از ادیان است و ادیان، در برآورده ساختن آن، کارآمد هستند و نیز بر نظریه‌ی گوهرگرایانه‌ای در پلورالیزم دینی، استوار هستند (Ruland, 2002, 116).

بی‌نوشت‌ها

1. globalization
2. citizen
3. netizen
4. dependency
5. interdependency
6. Waters, Malcolm
7. Giddens, Anthony
8. threat
9. profit
10. Treano, Paul
11. Herman, Edward S.
12. context of increasing global multiculturalism
13. Turner, Bryan S.

۱۴. مفهوم «اخلاق جهانی»، ترجمه‌ی رایج اما نارسا از Global ethic است. ترجمه‌ی کسانی چون گونل کهن، «اخلاق سیاره‌ای»، رساتر است. به هر روی، مراد از world's ethic، همان international ethic نیست.

15. global family
16. Küng, Hans
17. Tübingen
18. Parliament of the World's Religions
19. no better global order without a global ethic
20. a fundamental demand: every human being must be treated humanely
21. toward a culture of non-violence and respect for life
22. toward a culture of solidarity and a just economic order
23. toward ac of tolerance and a life in truthfulness
24. toward a culture of equal rights, and partnership between men and women
25. a transformation of consciousness
26. Swidler, Leonard
27. golden rule
28. "treat others as we would be treated"
29. Hick, John
30. Nkulu, Mutombo

31. Gupta, Bina
32. Pohl, Kar-Heinz
33. applied rules
34. middle principles
35. basic principles
36. fundamental rule
37. ultimate criteria
38. naturalism
39. consensus
40. Tillich, Paul (1886-1965)
41. *Dynamics of Faith*

فهرست منابع الف - منابع فارسی و عربی

۱. ترنر، برایان (۱۳۸۱)، *شرق‌شناسی نیست مدرنیسم و جهانی‌شدن*، ترجمه‌ی دکتر غلام‌رضا کیانی، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.
۲. تبلیغ، پل (۱۳۷۵)، *پویایی ایمان*، ترجمه‌ی حسین نوروزی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول.
۳. _____ (۱۳۷۶)، *الهیات فرهنگ*، ترجمه‌ی مراد فرهادپور، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ اول.
۴. خلخالی، ادهم (۱۳۸۱ الف)، *مشرق‌التوحید، رسائل فارسی ادهم خلخالی*، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران.
۵. _____ (۱۳۸۱ ب)، *سیاحت‌الانوار، رسائل فارسی ادهم خلخالی*، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران.
۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۲)، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم: مرکز بررسی‌های اسلامی.
۷. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۲)، *اخلاق حرفه‌ای*، تهران: ناشر: مؤلف.
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، *مجموعه‌ی آثار*، تهران: انتشارات صدرا، ج ۱.
۹. واترز، مالکوم (۱۳۷۹)، *جهانی‌شدن*، ترجمه‌ی اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

ب - منابع انگلیسی

10. Booth, Ken (ed.) (2001), *How Might We Live 2: Global Ethics in Renew Century*, Cambridge University Press.
11. Braybrooke, Marcus (ed.) (1992), *Stepping Stones to a Global Ethic*, Trinity Press International.
12. Duran, Khalid (inter.1), "Leonard Swidler's Draft of a Global Ethic: A Muslim Perspective", <http://astro.temple.edu/~dialogue/center/duran.htm>.
13. Gupta, Bina (ed.) (2002), *Ethical Questions: East and West*, Bowman & Littlefield Publishers, Inc.

14. Hick, John (inter.2), "Response to Leonard Swidler's Global Ethic, Toward a Universal Declaration of a Global Ethic, A Christian Comment", <http://astro.temple.edu/~dialogue/center/hick.htm>.
15. Küng, Hans (ed.) (1997), *Yes to a Global Ethic; Voices from Religion and Politics*, Continuum International Publishing Group.
16. — (1991), *Global Responsibility*, London: SCM Press.
17. —, Josef Kuschel, Karl (ed.) (1994), *A Global Ethic: The Declaration of the Parliament of the World's Religion*, Continuum International Publishing Group.
18. Nasr, Seyyed Hossein (2002), *the Heart of Islam: Enduring Values for Humanity*, Harper Sanfrancisco.
19. Nkulu, Mutombo (inter.3) "The African Charter on Human and People's Rights: An African Contribution to the Project of Global Ethic", <http://astro.temple.edu/~dialogue/center/mutombo.htm>.
20. Pohl, Kar-Heinz (ed.) (2002), *Chinese Ethics in a Global Context: Moral Bases of Contemporary Societies*, Brill Academic Publishers.
21. Ruland, Vernon (2002), *Conscience across Borders: An Ethics of Global Rights and Religion*, University of Sanfrancisco.
22. Singer, Peter (2002), *One World: The Ethic of Globalization*, Yale University Press.
23. Twiss, Sumer B. (ed.) (1999), *Explorations in Global Ethic: Comparative Religious Ethic and Dialogue*, Westview Press.